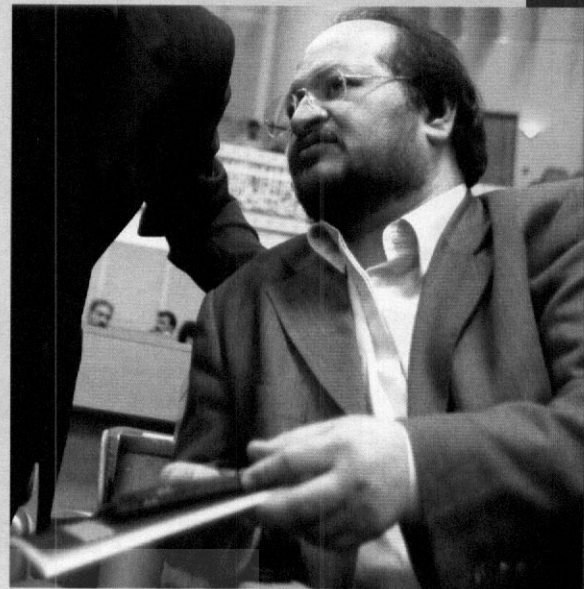


اگر کل صادرات ما امسال بین ۶۰-۷۰ میلیارد دلار باشد و بخواهیم همه آن را در بودجه خرج کنیم موجب افزایش پایه پولی یا نقدینگی می‌شود و لاجرم تورم خواهد شد



لیلا خداپوشی

محمد شریعتمداری، وزیر بازرگانی دولت خاتمی در گفت و گو با روند اقتصادی

## اولویت: شکستن اجماع جهانی علیه ایران

محمد شریعتمداری، وزیر بازرگانی دولت خاتمی، امروز رییس کمیسیون اقتصادی شورای راهبردی کشور است. گفت و گو با شریعتمداری، از سیاست‌های مربوط به تجارت خارجی آغاز شد و در نهایت به استراتژی توسعه صنعتی و برنامه چهارم توسعه رسید. وی با جدیت از استراتژی توسعه صنعتی کشور دفاع کرد: "متأسفانه فرصت ما در دولت قبل برای اجرایی کردن اهداف استراتژی کم بود اگر نه سیاست‌های این سند مهم باید در برنامه‌های ما گنجانده شود." شریعتمداری برنامه چهارم رانیز "قانونی لازم الاجرا" دانست که بر اساس سند چشم‌انداز بیست ساله توسعه کشور ترسیم شده است و باید به آن پای بند بود.

پرتال جامع علوم انسانی

- آقای شریعتمداری در يك سال گذشته حجم واردات تا بیش از ۴۰ میلیارد دلار افزایش یافته و این روند در دو ماه گذشته تشدید هم شده است؛ با این توضیح که ترکیب واردات هم غیر مصرفی نشده. با توجه به اینکه یکی از برنامه‌های دولت کنترل واردات بود به نظر شما آیا آن برنامه‌ها اشتباه بوده یا این عملکرد؟
- من فکر می‌کنم در مورد هر موضوع اقتصادی ابتدا باید مشخص بشود که جایگاه آن موضوع در کجای برنامه‌های اقتصادی کشور قرار دارد؟ به هر حال زمانی در کشور ما سیاست جایگزینی واردات پیگیری می‌شد و تلاش مدیران هم این بود که کشور را از واردات کالای مورد تقاضا، بی‌نیاز کنند. در آن دوره حمایت از تولید داخلی و بومی‌سازی در اولویت بود. این سیاست با استفاده از نظام تعرفه، قیمت‌گذاری و حتی تعیین محدودیت‌ها مقداری برای واردات دنبال می‌شد. آن سیاست، محدودکننده واردات بود و البته همان سیاست هم متکی به واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای بود.
- شدد و در برنامه‌های سوم و چهارم، سیاست توسعه صادرات و تولید صادراتی در دستور کار قرار گرفت. مقام معظم رهبری هم در بیاناتشان اشاره کردند که من امیدوارم روزی برسد که ما در چاه‌های نفت را ببندیم و اقتصاد ایران را متکی بر صادرات غیرنفتی بنا بنهیم. در این سیاست تعامل سازنده با دنیا در زمینه تجارت، دیگر جایگاهی برای سیاست‌های جایگزینی واردات به طور عام وجود ندارد. اما اینکه ما در مورد برخی از کالاها حساسیت داشته باشیم که متکی به خود باشیم مشمول این قانون کلی نمی‌شود.
- توسعه جهت‌گیری تغییر کرد، در برنامه دوم تقویت

را مثلاً از گروه کالای مصرفی به کالای واسطه‌ای منتقل کنیم، امکان مقایسه فراهم نمی‌شود. من شنیده‌ام در حجم صادرات غیر نفتی امسال دسته‌ای از معانات‌گازی هم ثبت شده است که رقم صادرات آن تا پایان سال ۷۵ میلیارد دلار است. معانات‌گازی همواره در صادرات نفتی طبقه‌بندی می‌شد. این کارها، امکان مقایسه را از بین می‌برد. ما که از خدا می‌خواهیم رشد صادرات غیر نفتی ایران سه برابر هم بشود، اما با این کارها نمی‌شود برنامه‌ریزی واقعی کرد. اگر پایه‌های آماری مشخص و شفاف باشد یا تغییرات آن اعلام بشود، ایرادی وجود ندارد.

### اما امسال حجم واردات از رقم ۴۰ میلیارد دلار هم عبور کرده است.

بله، من قبل از آمدن شما آمارها را نگاه می‌کردم، دیدم که واردات کالا و خدمات در نه ماهه سال جاری ۳۳ درصد افزایش یافته است که افزایش وزنی آن ۲۷۳ درصد است. اما چون قیمت کالاهای واردات غیر متکی به نفت در برخی از بازارهای جهانی کاهش هم یافته، این افزایش ۲۱ درصدی وزن واردات اثرات منفی خود را بر تولید داخل تحمیل می‌کند؛ حتی اگر قیمت آن پایین آمده باشد و در آمارهای رسمی بگوییم که رشد واردات ما منفی است. البته بر اساس آمار واردات گمرک، رشد ارزشی واردات طی هشت ماه سال جاری ۰/۷ درصد (۲۰ میلیارد دلار) بود و افزایش ناگهانی تا ۳۳ درصد (۳۰ میلیارد دلار) طی یک ماه این نگرانی را ایجاد می‌کند که اگر همین روند افزایش ادامه پیدا کند و ترکیب هم نامناسب باشد، به اقتصاد کشور لطمه خواهد زد.

اگر کل صادرات ما امسال بین ۶۰-۷۰ میلیارد دلار باشد و بخواهیم همه آن را در بودجه خرج کنیم موجب افزایش پایه پولی یا نقدینگی می‌شود و لاجرم تورم خواهد شد. من فکر می‌کنم باید در روند موجود تجدیدنظر کرد. یک بخش از این برنامه‌ها برای تأمین هزینه‌های جاری است، چون صندوق مهر رضا، افزایش حقوق کارمندان یا لایحه خدمات کشوری که سالانه ۱۰ میلیارد دلار بار مالی دارد برای دولت، طرح‌های خوبی هستند، اما معنای این طرح‌ها برداشت بیشتر از حساب ذخیره ارزی است. اگر بانک مرکزی این دلارها را نفروشد که منجر به تورم می‌شود و اگر بفروشد که یا خروج عین سرمایه است یا منجر به افزایش واردات می‌شود. در هر صورت به اقتصاد کشور لطمه می‌زند. در نتیجه به نظر من علاوه بر حساسیت به امر واردات باید به استفاده از حساب ذخیره ارزی که به تورم یا واردات بی‌رویه می‌انجامد بسیار توجه شود، یعنی دولت بیش از هر چیزی باید نسبت به خرج کردن دلارهای نفتی حساسیت داشته باشد.

### دولت بیش از هر چیزی باید نسبت به خرج کردن دلارهای نفتی حساسیت داشته باشد

داشت. در چنین پروسه‌ای که سیاست رسمی کشور، جهش صادراتی است، اعمال سیاست جایگزینی واردات جایگاهی ندارد و باید به سمت تغییر آن حرکت کنیم. همین کار در برنامه‌های سوم و چهارم توسعه صورت گرفته، فقط یک استثنا دارد که آن هم در مورد کالاهای استراتژیک است که ما می‌خواهیم در تولید آنها به خودکفایی برسیم. با این تعریفی که من ارائه کردم، گمان نمی‌کنم واردات، کاری عجیب و غریب و بیهوده‌ای باشد. هر قدر که حجم اقتصاد بزرگ‌تر می‌شود، میزان واردات هم افزایش پیدا می‌کند. معمولاً حجم صادرات و واردات با یکدیگر تناسب دارند، اما در همین افزایش واردات به دلیل بزرگ شدن حجم اقتصاد، ترکیب کالاهایی که وارد می‌شود مهم است. یعنی کشوری که جوان است، نیروی کار دارد و زمینه‌های اشتغال در آن وجود دارد باید به تولید به عنوان هدف اصلی نگاه کند و حتی باید سیاست‌های تولیدی کاربر را بر سیاست‌های تولیدی سرمایه‌برتر ترجیح بدهد. با وجود آنکه ممکن است بهره‌وری کاهش یابد، تولید هم از نظر من تولید کالا و خدمات است. بنابراین اصل واردات امر مذبوم نیست، اما ترکیب آن مهم است و باید از سمت واردات محصول نهایی به سوی واردات مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای حرکت کنیم. در دوره‌ای که من وزیر بازرگانی بودم در حدود ۱۳ درصد از واردات مربوط به کالاهای مصرفی بود و بقیه کالاهای واسطه‌ای، سرمایه‌ای و مواد اولیه بود. تصور می‌کنم این دولت هم به ترکیب واردات حساس است.

### البته ترکیب واردات تغییر کرده و به سمت واردات مواد مصرفی افزایش یافته است؟

بله. اما هنوز آن قدر تغییر نکرده که مثلاً به مرز واردات ۵۰ درصدی کالاهای مصرفی برسد. البته تنوع واردات ما بسیار زیاد است، مخصوصاً اگر "خدای ناکرده" در طبقه‌بندی کالاها هم تغییر ایجاد کنیم که برخی از کالاها

برخی معتقدند همین کالاهای مستثنی هم ممکن است امروز دیگر برای ما استراتژیک نباشند و اصرار ما بر خودکفایی در مورد آنها غیراقتصادی باشد، مثلاً گندم به نظر شما همچنان کالایی استراتژیک است که ما باید در آن به خودکفایی برسیم؟

تعریف من از خودکفایی با تعریف برخی از دوستان کمی متفاوت است. به عقیده من، آن مقدار از تولید که ما را مطمئن می‌کند خارجی‌ها مابقی نیازمان را به ما می‌فروشند خودکفایی است. یعنی ما اگر ۷۰ تا ۸۰ درصد از گندم موردنیاز داخل را تولید کنیم برای مابقی در صورت تحریم مشکل جدی نخواهیم داشت و دنیا هم می‌داند با نفروختن این مقدار ما مشکلی پیدا نخواهیم کرد. در این صورت می‌توانیم برنامه‌ریزی کنیم که به جای آن ۲۰ درصد کالای دیگری تولید کنیم که ارزش افزوده بیشتری داشته باشد.

کالاهایی که ما می‌گوییم باید در تولید آنها به خودکفایی برسیم دو دسته هستند: یکی کالاهایی که ما در آنها مزیت رقابتی داریم که با تولید بیشتر از نیاز داخل حتی می‌توانیم صادرکننده آنها بشویم، یعنی هم کالا استراتژیک است و هم ما، در تولید آن مزیت داریم. در این صورت می‌توانیم ۲۰ درصد نیاز داخل هم تولید کنیم و مازاد آن را صادر کنیم اما برخی کالاهای استراتژیک که در آنها مزیت اقتصادی نداریم، باید همان ۷۰ تا ۸۰ درصد نیاز را تولید کنیم مثل گندم.

### گندم به نظر شما همچنان کالای استراتژیک است؟

در تاریخ ایران گندم کالای استراتژیک بوده چون نان به عنوان "قوت لایموت" در اندیشه ایرانی، اعم از متجدد و غیرمتجدد، موضوعیت دارد. با اینکه "پیتزا" هم در مملکت ما مصرف می‌شود یا بچه‌های ما امروز "اسنک" می‌خورند، اما الگوی مصرف ایران تغییر نکرده است که برای مثال از مواد نشاسته‌ای به مواد پروتئینی تغییر پیدا کند. در مورد کالاهای دیگر مانند روغن هم برای حرکت به سمت خودکفایی باید بررسی شود که آیا ما مزیت رقابتی داریم، چون کشت دانه‌های روغنی احتیاج به آب فراوان دارد. و اگر مزیت نداریم باید در حدود ۷۰ درصد نیازمان را تولید کنیم که مطمئن باشیم مابقی نیازمان را به ما می‌فروشند.

### در مورد سیاست جایگزینی واردات می‌گفتید.

بله! ما سیاست جایگزینی واردات را تبدیل کردیم به سیاست توسعه صادرات که احتیاج به تعامل سازنده با جهان دارد و این تعامل، سیاست محدود کردن واردات یا حمایت از طریق تعرفه قطعاً بر خوردهای متقابل خواهد

کند و مردم را از روز قبل فقیرتر کند. عزیز بودن مردم در تضاد با مرفه بودن نیست. یعنی ما باید ضمن اینکه مردم را عزیز و نفوذناپذیر نگاه می‌داریم، مرفه هم نگاه داریم. به اعتقاد من حفظ اصول و ارزش‌ها در کنار پیشرفت اقتصادی در صورت استفاده از دیپلماسی فعال ممکن است. در شرایطی که ما ۶۰ روز تا صدور قطعنامه بعدی احتمالی یا اعمال تحریم فرصت داریم، این ۶۰ روز، روزهای دیپلماسی فعال کشور است.

در موضوعات هم حتماً باید اولویت بندی کنیم. الآن اولویت ما تلاش برای شکستن اجماع علیه ایران است.

**اگر اجازه بدهید برگردیم به بحث تجارت خارجی. شما زمانی که در وزارت بازرگانی بودید بر چه اساسی صادرات و واردات را تنظیم می‌کردید؟ اساساً بدون وجود استراتژی توسعه، حمایت از تولید، واردات یا صادرات کالایی خاصی معنا دارد؟**

ما این مشکل را در دولت قبل متوجه شدیم و تلاش فزاینده‌ای کردیم تا استراتژی توسعه صنعتی را تدوین کنیم. حجم عظیمی از نیروی انسانی کارآمد برای تهیه استراتژی توسعه صنعتی بسیج شد و بالاخره اولویت‌های توسعه ایران در حوزه صنعت در آن مشخص شده است.

**استراتژی توسعه صنعتی که فقط به صورت کتاب باقی ماند؟**

صرف نظر از اینکه این استراتژی تبدیل به قانون نشده و به صورت کتاب مانده ما روش‌های دیگری هم برای سیاست‌گذاری در حمایت از صنایع داشتیم. اما تاکید می‌کنم که استراتژی توسعه صنعتی که کار بسیار قوی علمی در مورد آن صورت گرفته، باید حتماً با قوانین برنامه‌تطبیق داده شود و توصیه‌های سیاستی مناسب از آن استخراج شود. در عین حال ما مزیت‌های رقابتی در برخی حوزه‌های صنعتی مثل فولاد را شناسایی کردیم و بانک اطلاعاتی کاملی داریم. اما این مورد هم متأسفانه به توصیه‌های سیاستی که به هدایت سرمایه‌ها به سوی سرمایه‌گذاری‌های صنعتی مولد و زودبازدهی که

استراتژی توسعه صنعتی کشور توصیه می‌کند، منجر نشد. در واقع بعد از مطالعات علمی لازم، قدم بعدی تبدیل شدن به توصیه‌های سیاستی و قدم بعد اجرایی شدن است که به کمک ابزارهای سیاستی متفاوت مانند ابزار سیاست مالی-پولی و تجاری اعمال می‌شود. برای مثال در ابزار سیاست تجاری ما باید محاسبه کنیم که در مورد فلان کالا، در مدت زمان‌های مشخص تعرفه ما چقدر باشد به طوری که در نهایت آن صنعت به سمت رقابتی شدن حرکت کند و بتواند با تعرفه صفر در خانه دشمن بجنگد. در واقع تجهیز صنایعی که در استراتژی

**ما نمی‌توانیم بگوییم که انقلاب، انقلاب رفاه نبود چون اسلام هم این را نمی‌گوید**

سیاست تنش‌زدایی و سیاست مقاومت در برابر خواسته‌های غیرمشروع نظام بین‌الملل ناقض همدیگر نیستند.

**به نظر شما در دولت نهم از دیپلماسی مناسبی برای اعلام سیاست تنش‌زدایی جمهوری اسلامی استفاده می‌شود؟** من مطمئن هستم که ما پالس‌های خوبی به دنیا نمی‌دهیم. ما می‌توانیم با وجود حفظ اقتدار و عزت نظام، سیاست تنش‌زدایی را هم اعمال کنیم. می‌توانیم به گونه‌ای یادنیای خارج حرف بزنیم که گزنده نباشد ضمن اینکه خودمان محکم و مقتدر بایستیم.

**شما چقدر با اینکه ملاحظاتی اقتصادی منجر به تعامل سیاسی با دنیا می‌شود معتقد هستید؟ و اینکه اقتدار اقتصادی در گرو تعامل سیاسی با دنیا است؟** ما نمی‌توانیم بگوییم که انقلاب، انقلاب رفاه نبود چون اسلام هم این را نمی‌گوید. کسی نباید بر مردم حکومت

**سهام عدالت در پی مردمی کردن اقتصاد به جای خصوصی کردن است. من هم با این هدف موافقم، اما به نظرم در وسیله دستیابی به این هدف باید تجدید نظر بشود.**

**شما در مورد خودکفایی صحبت کردید، سؤال من این است که تکیه بر پارادایم خودکفایی با شرایط موجود اقتصاد بین‌الملل آیا همخوانی دارد؟ یعنی غیرممکن است که ما هم از نظام اقتصاد بین‌الملل سهم بخواهیم و هم هر روز برای تولید یک کالای جدید شعار خودکفایی سر بدهیم؟**

من کاملاً با حرف شما موافق نیستم! اما به کار بردن کلمه خودکفایی قطعاً بار ارزشی هم دارد. در همه جای دنیا هم برای خودکفایی بار ارزشی مثبت قایل هستند. خودکفایی معقول و در عرصه آن دسته از نیازهایی که تامین آنها از بازارهای خارجی ممکن است با مشکلات مواجه بشود ضروری است. مثلاً در مورد کالاهای نظامی، خودکفایی ضروری است.

**کالای نظامی که بحث جداگانه‌ای است و به اقتصاد مرتبط نیست.**

بله، متفاوت است، اما مثلاً ما اگر عضو ناتو باشیم خودکفایی در کالای نظامی هم بی‌معناست؟ ژاپن که امروز بر شانه آمریکا نشسته است که مشکلی ندارد، اما کشوری که در بعضی زمینه‌ها با آمریکا تضاد منافع دارد در تامین کالاهای مورد نیاز خود در بازارهای جهانی مشکل خواهد داشت.

**برخی صاحب‌نظران معتقدند که در سیاستگذاری‌های کلان به جای اتکا به خودکفایی بهتر است از طریق دیپلماسی تنش‌های ناشی از تضاد منافع را کاهش بدهیم؛ یعنی به هر حال با یک تعامل فعال و نسبی با نظام بین‌الملل همیشه نگران تحریم و تهدید نباشیم؟**

من می‌خواستم همین را بگویم. ما در خیلی زمینه‌های دیگر هم با رونده‌های بین‌المللی همراه نیستیم علاوه بر اینکه مثلاً شعار خودکفایی ما با سیاست‌های اقتصادی بین‌المللی در تقابل است. چیزی که از آن به عنوان هم‌پیوندی با اقتصاد بین‌الملل یاد می‌شود به دلیل بار ضد ارزشی که دارد حتی در "ترم‌های" اقتصادی ما استفاده نمی‌شود. ما حتی بعضی از تصمیمات شورای امنیت را هم ظالمانه می‌دانیم. با طرح خاورمیانه بزرگ یا آنچه در لبنان اعمال می‌شود مخالف هستیم. پس جمهوری اسلامی با خیلی از رونده‌های بین‌المللی امروز همراه نیست.

**اما در قیل با وجود اختلاف نظرهایی که با نظام بین‌المللی داشتیم از شیوه‌های دیپلماتیک بهره می‌گیریم و مانع ایجاد تنش در روابط بین‌المللی مان می‌شدیم.**

تنش‌زدایی سیاست عمومی کشور است. پیگیری

بیاورند" اگر ما طوری عمل نکنیم که کفترهای خودمان بروند روی بام همسایه دیگر کفتر همسایه که نمی آید. به نظر من باید اول مقدمات را فراهم کرد، رهبری اصل ۴۴ قانون اساسی را با تمام وجود ابلاغ کردند. من تصور می کردم خیلی بیشتر از این که امروز شاهد هستیم مورد اقبال قرار می گیرد. در حالی که زمینه های اجرای آن محقق نشده ادر بند الف و ب سیاست های کلی اصل ۴۴ عنوان می شود که در تمام شئون که بخش خصوصی می تواند کار انجام دهد، دولت وارد نشود، اما در یک سال گذشته این گونه نشد. باز هم کارها را دادیم به شرکت های شبه دولتی. همان قدر که اقبال به سهام عدالت وجود دارد، که باید هم وجود داشته باشد، لازم است به اصل ۴۴ هم توجه بشود. همان طور که گفتید به هر حال بخش خصوصی باید باور کند که مسئولان نظام معتقدند که راه توسعه از توانمند کردن آنها عبور می کند. ما هنوز احتیاج داریم که بخش خصوصی را توانمند کنیم و اصل ۴۴ برای توانمند شدن بخش خصوصی ابلاغ شده است. ما در آن دولت این مانع را داشتیم که بخش خصوصی نمی توانست وارد خیلی از حوزه ها بشود، اما امروز این مانع نیست و ما باید قدم های بلندی به سوی توسعه اقتصادی برداریم.

**در مورد سهام عدالت که اشاره کردید، به نظر می رسد هدف کاهش شکاف طبقاتی و خصوصی سازی با این وسیله محقق نمی شود.**

سهام عدالت در پی مردمی کردن اقتصاد به جای خصوصی کردن اقتصاد است. من هم با این هدف موافقم، اما به نظرم در وسیله دستیابی به این هدف باید تجدیدنظر بشود. به طوری که در نهایت در راستای اهداف توسعه ای ایران حرکت کنیم.

**این مورد هم از مواردی است که به نبود استراتژی مشخص توسعه مربوط است؟**

ما سند چشم انداز را داریم که مسیر کلی را مشخص کرده است.

**بله، اما اولین برنامه ای که بر مبنای اهداف سند چشم انداز نوشته شده هنوز مورد تردید است؟ به نظر می رسد دولت علاقه ای به اجرای اهداف برنامه چهارم ندارد و پاره ای اوقات اعلام کرده که برخلاف اصول چشم انداز است؟ حتی در مواردی به نظر مسئولان نظام هم در این مورد استناد کرده است؟**

به هر حال اگر هم باشد امروز برنامه چهارم قانون است و لازم الاجرا است.

گاز" خودرو وارد کرد. چون نگرانی های مسئولان صنعت خودرو هم به جا بود.

به هر حال خودرو کالای پیچیده ای بود که طبیعتاً باعث برخی از اختلاف نظرها میان ما و وزارت صنایع شد. اما من معتمد همه مزیت های لازم را بر اینکه خودروساز بشویم و از صنعت خودرو حمایت کنیم داریم. فولاد داریم، مغز متفکر ایرانی داریم و... کره ای ها که مادرزاد خودروساز نبوده اند.

**آقای شریعتمداری مشکل ما، وجود سخت افزار یا نرم افزارهای توسعه صنعتی نیست، ما هنوز در کشورمان با وجود برنامه های توسعه، مسیر واحدی برای توسعه ترسیم نکرده ایم.**

مشکل معین نبودن استراتژی توسعه صنعتی، حرف درستی است. اما در زمینه صنعت خودرو من مخالف داشتن خودرو ملی نیستم، حتی ما می توانیم هدف گذاری کنیم که "برندی" به نام سمند حداقل در

نه خیر! من تکذیب می کنم! (با خنده) بین من و آقای جهانگیری مناقشه نبود!

**شاید هم در حجم صادرات غیر نفتی امسال دسته ای از میعانات گازی هم ثبت شده است**

منطقه قابل فروش باشد، اما باید از صدور قطعه شروع کنیم. حتی می توانیم با خارجی ها شریک بشویم و تحت لیسانس آنها بسازیم.

**خب همین موضوع جذب سرمایه خارجی مسئله پیچیده ای شد، در واقع به دلیل اختلافات سیاسی ناشی از نگاه متفاوت به توسعه محقق نشده است؟ یعنی تمام تلاش هشت ساله دولت هشتم در عرصه بین الملل و اقتصاد منجر به دو قرارداد (تاو و ترک سل) سرمایه گذاری خارجی غیر نفتی شد که هر دو با تغییر دولت لغو گردید. در مورد خودرو هم توقف قرارداد "ال ۹۰" مثال روشنی است؟**

ببینید ما سرمایه های داخلی داریم که به کار نمی گیریم. مثلی هست که می گویند "شما باید اول کفترهای بام خود را جلد کنی که آنها بروند و کفترهای همسایه را

توسعه صنعتی کشور مشخص شده باید مبنای حمایت های دولتی قرار بگیرد. بقیه صنایع هم می توانند فعالیت کنند، اما دولت از آنها حمایت نمی کند.

**استراتژی توسعه صنعتی از نظر شما چرا کتاب باقی ماند؟ فرصت کافی نبود. بدون تردید یکی از برنامه های دولت قبلی در صورت ادامه یا انتخاب دولتی همفکر با آن دولت این بود که استراتژی به قانون تبدیل می شد. صنعتی شدن ایران از همین مسیر می گذرد. من بارها در فرمایشات رهبری هم شنیدم که بر توسعه صنعتی ایران تاکید کرده اند.**

**آقای شریعتمداری با وجود فرمایشات شما ما در برخی حوزه ها برای تنظیم تجارت خارجی و تولید داخلی با مشکلات طولانی مدت روبه رو بوده ایم و هستیم. در دوره خود شما ما مناقشات مربوط به طرح جامع سیمان را داشتیم یا در حوزه خودرو در مورد واردات، مناقشات جلدی میان شما به عنوان وزیر بازرگانی و آقای جهانگیری به عنوان وزیر صنایع وجود داشت. این مثال ها نشان می دهد چشم انداز توسعه میان مسئولان رده بالای اجرایی هم یکسان نیست!**

**به هر حال اختلاف نظر وجود داشت.**

من به واقع عرض می کنم که ما نزدیک ترین روابط را در آن دوره با وزاری تولیدی داشتیم. رد نمی کنم که در مقطعی میان وزارت بازرگانی و وزارتخانه های متکفل امر تولید اختلاف نظرهایی بود. این اختلاف ها به دلیل حاکمیت این تفکر غلطی بود که وزارت بازرگانی مسئول مصرف است و آنها مسئول تولید. همین مشکلاتی که شما می فرمایید به هر حال در میان سه هزار و ۳۰۰ قلم کالا برای دو قلم کالای سیمان و خودرو به وجود آمد و خیلی عجیب نبود. ما سال های سال ممنوعیت واردات خودرو داشتیم. ممنوعیت واردات خودرو یعنی خدمات پس از فروش و نمایندگی ها وجود نداشت، استاندارد ایران برای این کار تجهیز نبود، کمی هم فشارهایی بود که از این محل برای دولت درآمد ایجاد کند که اینها اختلاف ایجاد می کرد. ما هم می گفتیم منفعت مصرف کننده هم مهم است. همین الان که بعد از این تمهیدات خودرو به کشور وارد می شود، اتفاق های بدی در این زمینه می افتد. یعنی دلالت ها خودرو وارد می کنند و با کم اظهاری نرخ مالیات کمی از آنها گرفته می شود. به این ترتیب واردکننده واقعی خودرو ضرر می کند. به هر حال آن موقع نمی شد تحت